

شکل‌گیری و فعالیت اتحادیه صنعتگران در شهر سنندج ۶۷- ۶۵

رفقای عزیز!

جزوه‌ای را که ملاحظه میکنید تلاشی است از سوی ما برای طرح تجارب مبارزاتیمان در کردستان و امیدواریم که به کمک شما این نوع کارها را ادامه دهیم و از درس و تجارب آنها در مبارزه و فعالیتمان استفاده کنیم.

در مورد اتحادیه صنعتگران سنندج هر چند خیلی دیر دست به این اقدام زدیم اما بهر حال جا دارد و برایمان مفید است که چه این موضوع و چه مسائل دیگر جنبش کارگری مورد بحث قرار گیرند و برای چنین کارهایی تعداد بسیار بیشتری از ما لازم است به چنین اقداماتی دست بزنیم تا بلکه در این راه هم بتوانیم بیشتر از نظرات همدیگر مطلع گردیم و هم ارتباط فشرده‌ای با هم داشته باشیم.

مظفر فلاحی - یدی عزیزی شهریور ۱۳۷۰

باز تکثیر از انجمن کارگری جمال چراغ ویسی May2004
jamal_chragwaisi@hotmail.com

شرایطی که اتحادیه صنعتگران سنندج در آن تشکیل شد و اقدامات اولیه اش

در شرایطی که جمهوری اسلامی با تمام توان و امکاناتش تشکلهای مستقل کارگری را از میان برداشته بود و رهبران و فعالین کارگری را به زندان افکنده و تعدادی از آنها را به جوغه اعدام سپرد بود، تلاش وسیعی را هم برای برپائی تشکلهای دولتی یعنی شوراهای اسلامی و انجمنهای اسلامی شروع کرده بود که در راس آنها خانه کارگر قرارداشت.

جمهوری اسلامی می خواست با ایجاد چنین نهادهایی در مراکز کارگری اعتراضات و مبارزات کارگران و تمایل به متشکل شدن را به کانال این ارگانها بکشاند و در واقع آنها را خفه کند و از محتوا خالی گرداند. این دوران سالهای ۶۰ تا ۶۳ بود، که چه از نظر فلاکت و زندگی مشقت بار و بیکاری و گرانی و جنگ ارتجاعی ایران و عراق برای کارگران بسیار سخت و طاقت فرسا بود.

در چنین شرایطی بود که تعدادی از فعالین جنبش کارگری در شهر سنندج شروع به ایجاد تشکلی کردند که خواستها و مطالباتشان را نمایندگی کند. کارگران را به دور هم جمع کند و با اتکا به قدرتی که بوجود خواهند آورد خواستهایشان را متحقق سازند. نتیجه چنین فعالیتی ایجاد اتحادیه ای بود که در طول عمرش که نزدیک به ۳ سال بود اقدامات بسیاری انجام داد که تک تک آنها میتواند با جزئیات مطرح گردند و منابع با ارزشی از تجارب ما برای رفقای کارگرممان باشد. با این تصویر کوتاه تلاش میکنیم تا مروری بر تشکیل اتحادیه صنعتگران و کارهایش داشته باشیم.

در اواخر سال ۶۴ بود که تلاش برای ایجاد چنین تشکلی شروع شد. چندین ماه قبل از تشکیل اتحادیه در میان خود دست اندرکاران و تعدادی از فعالین کارگری و در نشستهای مختلف در میان محافل خانوادگی و محلهای کار، طرح این مسئله شروع شد که با استقبال کارگران روبرو شد.

بعد از گذشت چند ماه از چنین فعالیتی در اواخر اردیبهشت ۶۵ تصمیم به علنی کردن

خواست خود گرفتیم. از آنجا که بیشتر کارگرانی که در آغاز دور هم جمع شده بودند از تعمیرکاران اتومبیل بودند نام دفتر نمایندگی تعمیرکاران اتومبیل برای تشکل انتخاب گردید و قرار شد با اداره کار وارد بحث شویم تا محلی برای این دفتر داشته باشیم و اجازه آن هم گرفته شود که اجازه قانونی داشته باشیم. بنا به کم تجربگیمان نتوانستیم بین آنچه که خود عقیده داشتیم با آنچه که میدانستیم اداره کار با ما انجام خواهد داد چنان رابطه‌ای برقرار کنیم که هم توانسته باشیم سنگ اندازی آنها را خنثی کرده و هم به اهداف خود در چنان شرایطی برسیم. از این رو بود که ما قبل از اینکه با اداره کار وارد بحث و مذاکره شویم هم نظر بودیم که باید از اداره کار در خواست اجازه فعالیت رسمی بنمائیم.

البته به تشکلهای دیگر که در سطح شهر سنندج هم وجود داشتند مثل خیاطان و خبازان مراجعه کردیم، آنها میگفتند که بدون داشتن اجازه قانونی نمیتوان به ایجاد تشکل مبادرت ورزید.

بعد از روز جهانی کارگر در سال ۶۵ آمادگی بیشتری برای ایجاد تشکل مورد نظر ایجاد شده بود و تصمیم گرفته شد که در اوایل اتحادیه بنام دفتر نمایندگی تعمیرکاران اتومبیل تشکیل شود و چند نفر انتخاب شدند که بروند و مسئله را با اداره کار در میان بگذارند و خواستار برسمیت شناختن تشکل و محلی برای آن شدند. همانطور که انتظار میرفت اداره کار با این خواست ما مخالفت کرد و جواب رد داد. نمایندگان کارگران بر امر خود و ضرورت ایجاد چنین تشکلی برای دفاع از حقوق خودشان پافشاری میکردند. چندین بار دیگر نمایندگان به اداره کار مراجعه کردند پاسخ آنها این بود که فعلا در قانون کار هیچ تشکلی برسمیت شناخت نشده است و ما اجازه نداریم به شما امتیازی بدهیم. مگر اینکه هر چه ما میگوئیم به آن عمل کنید و خود را به عنوان شورای اسلامی معرفی کنید و نمایندگان ما هم در آنجا حضور داشته باشند. کارگران این را قبول نکردند و در پاسخ به سوال رئیس اداره کار که این تشکل را میخواهید چکار؟ گفتند خودتان میدانید که کارگاههای زیاد در سطح شهر وجود دارند و کارگرانی که در آنجا کار میکنند از هر هیچگونه امکانات رفاهی و درمانی برخوردار نیستند و هیچ

قانون کاری بر مناسباتشان حاکم نیست و مسئله ما این است که این کارگران حداقل از ساعت کار یا بیمه درمانی برخوردار باشند و سایر مزایایی که در قانون کار است از آن برخوردار باشند. اداره کار اجازه داد که چنین تشکلی تشکیل شود منتهی حاضر نشد حتی یک تکه کاغذ هم بعنوان تائیدیه رسمی اداره کار صادر کند. آنها همچنین گفتند که خارج از شرط و شروطی که ما تعیین کرده ایم نه تنها اجازه نمیدهیم بلکه شما را تحت تعقیب قرار خواهیم داد که کاری غیرقانونی میکنید.

بالاخره در چنین وضعیتی که از یکطرف اداره کار می خواست شرط و شروطش را تحمیل کند و از طرف دیگر کارگران زیر بار آن نمیرفتند کار را شروع کردیم.

تصمیم به ایجاد اتحادیه گرفته شد.

اتحادیه عملاً شروع به کار کرد. دفتری ایجاد شد، تقسیم کار بین کارگران بوجود آمد. عده ای بعنوان ارتباط با اداره کار و عده ای هم تعیین شدند تا به کارگاههای کوچک در سطح شهر بروند و تشکیل این اتحادیه را به کارگران اطلاع دهند و به معرفی آن بپردازند.

به کارگران گفته می شد که مامیخواهیم دنبال خواسته هایمان برویم، بیمه شویم و از حقوقهایمان دفاع کنیم و این تبلیغات ادامه داشت و هر روزه به تعداد کارگران در درون این تشکل افزوده می شد. از انجای هم که رابطه نزدیکی با سندیکای خیاطان وجود داشت آنها در شکل گیری اتحادیه به ما کمک کردند. بتدریج کارگران رشته های مختلف به اتحادیه میپیوستند. اولین صنفی که به فراخوان وارد شدن به اتحادیه پاسخ مثبت دادند نجارها بودند. آنها تا قبل از آن در چندین مجمع عمومی خودشان تصمیمشان را برای ایجاد یک اتحادیه ابراز کرده بودند، اما اداره کار در کارشان اشکال تراشی کرده بود. آنها آمدند و خواستار عضویت در دفتر نمایندگی شدند. جوشکارها، فلزکارها و سایر صنف های دیگر از جمله آلومینیوم کاران، نقاشان اتومبیل و بافنده ها نیز آمدند. بعد از دو ماه که از تشکیل اتحادیه می گذشت بیش از ۳۵۰ کارگر به عضویت آن

درآمدند. ضمناً همچنانکه در اول اشاره شد دفتر نمایندگی تعمیرکاران اتومبیل همچنان در درون اتحادیه بعنوان صنفی باقی ماند و سایر صنفهای دیگر نیز دارای نمایندگان خود بودند اما در مورد تصمیمات اجرائی این اتحادیه صنعتگران بود که رسمیت داشت و در میان کارگران هم به این نام شناخته شده بود و مهری هم بنام اتحادیه صنعتگران درست شد.

فعالیت اتحادیه صنعتگران سنندج و اقداماتی که برای کارگران انجام داد.

بطور کلی میتوان در اینجا به دو نوع از فعالیت در آغاز کار اتحادیه اشاره کرد. یکی اینکه اتحادیه بتواند سر پا بایستد و دارای ضوابط و مقرراتی باشد و همه تابع یک اساسنامه باشند و دوم اتحادیه بتواند فعالیتش را ادامه دهد و دنبال کارهایی برود که برای آن تصمیم گرفته میشود. از اینرو ما برای مجموعه ای از کارها و سازمان دادن آن اقداماتی کردیم. انتخاب هیات مدیره، تشکیل مجمع عمومی که هر سه ماه یکبار برگزار میشد و کارش رسیدگی به چگونگی پیشرفت کارها و تصمیم گیری در مورد فعالیتهای اتحادیه و عزل و نصب مسئولین اتحادیه و.... بود. بعدها که فعالیت اتحادیه گسترش یافت، کمیته های مختلفی در امور ورزش و بهداشت و سواد آموزی و ایمنی محل کار بوجود آمد. در اینجا جاداراد که از نقش رفیق عزیز جانباخته جمال چراغ ویسی یاد کنیم که سرپرستی کمیته ورزش را برعهده داشتند. اما مهمتر اینکه موضوعاتی در دستورکار اتحادیه قرار گرفت و اتحادیه در این موارد موفقیت های خوبی بدست آورد. وضعیت کارگاههای کوچک، بیمه کردن کارگران، مسئله سواد آموزی و ایجاد شرکت تعاونی مصرف اساس فعالیتهای دور اول اتحادیه را تشکیل میداد. کارگاههای کوچک در سطح شهر سنندج که زیاد هم هستند موقعیتشان با مراکز بزرگ فرق دارد. در این محل ها از قانون کار، بهداشت، بیمه، ساعت کار و.... اصلاً خبری نیست و تازه قانون کار این مطالبات اساسی کارگران را برسمیت نشاخته و اگر در

مواردی هم آن را قبول کرده باشد به آن عمل نمی‌کنند. کارگرانی بودند که چندین سال بعنوان شاگرد کار کرده بودند اما از حق بیمه برخوردار نبودند. یا فلان استاد کار که در کار خودش مهارت هم پیدا کرده بود اصلا از هیچ‌گونه امکاناتی برخوردار نبود و یا وجود شرکت تعاونی مصرف کارگران که اصلا برای کارگران کارگاههای کوچک وجود نداشت. ضرورت اتحادیه هم برای پاسخگویی به اینها بود، که تاکی ما از این پراکندگی بیرون نیاییم و وضعمان اینطور باشد. برای نمونه کارگر ساعت ۷ صبح سرکار می‌رود و تا ۹ شب جان می‌کند اما از حق بیمه برخوردار نبود که ابتدائی‌ترین خواست و مطالبه کارگریست. بسیاری از کارگرانی که در کارگاهها کار میکنند سن پائینی دارند از مدرسه محروم شده‌اند تا کمک خرجی برای خانواده باشند. علی‌رغم توهین و تحقیری که بر آنها اعمال میشد شرایط نامناسبی هم داشتند و به نحوه کار و قوانینی که کارفرما در موردشان بعنوان کارگر اجرا می‌کرد آگاهی نداشتند و....

خلاصه اولین اقدام اتحادیه بیمه کردن کارگران بود. درست است که اداره کار اجازه رسمی به ما و اتحادیه نداد که فعالیت کنیم اما با پیگیری و فعالیتی که اتحادیه انجام داد اداره کار مجبور شد برخی خواسته‌ها و مطالبات را قبول کند و این در نتیجه توازن قوای بود که بر اثر فعالیت اتحادیه با نهادهای رژیم در شهر سنج بوجود آمد بود. از طرف اتحادیه تعدادی از کارگران برای پیگیری مسئله بیمه کردن کارگران به اداره سازمان تامین اجتماعی و همچنین به کارگاهها اعزام شدند تا آمار واقعی در مورد وضع بیمه کارگران تهیه کنند. در اوایل سازمان تامین اجتماعی گفت که ما خودمان بازرس داریم و به کارگاهها سر می‌زنیم و شما حق دخالت ندارید. در واقع با شروع فعالیتهای اتحادیه آنها هم به تکاپو افتاده بودند که رشته کار از دستشان در نرود و مناسبات خودشان با کارفرمایان استثمارگر دچار مشکلی نشود. معهذا وقتی ما لیستی از کارگران که بیمه نشده بودند را تهیه کردیم و آنرا به اداره تامین اجتماعی بردیم آنها این مسئله را طرح کردند که ما بازرس کم داریم و شما لیست کاملی را تهیه کنید و در اختیار ما بگذارید تا آنها را بیمه کنیم. ناگفته نماند که این اداره در رابطه با اداره کار بود. بالاخره نتیجه فعالیت اتحادیه بیمه کردن تعداد زیادی از کارگران بود. در مورد ساعت کار

طولانی هم اتحایه به نتایجی رسید. هرچند برای بخشهای زیادی از کارگران امکان پذیر نشد، اما بخشی از کارگاهها توانستند به تعطیلی بعدازظهرهای پنجشنبه ها دست یابند. اتحادیه همچنین اقداماتی در زمینه ایجاد شرکت تعاونی مصرف و مسئله سواد آموزی آجام داد که به نحوه این تلاشها و نتایج آنها هم اشاراتی میکنم.

شرکت تعاونی مصرف کارگران

شدت فشار مالی برای کارگران بحدی سنگین است که در اینجا نمیتوان به بحث آن پرداخت و هر کارگری به دور و بر خودش نگاه کند میدانند که وضع دیگر کارگران هم چطور است و در مناطق محروم هم این فشار بیشتر است. در شهر سنندج چندین شرکت تعاونی هست که خودشان دارای هیئت نمایندگی و هیئت مدیره میباشند که اینها رابط بین ادارات دولتی و کارخانه ها میباشد. منتها اکثریت عظیم کارگران در جایی بنام شرکت تعاونی مصرف شماره ۱ جمع شده اند. البته این شرکت در زمان شاه تشکیل شده بود و حال هم وجود دارد. آنهای که شرکت تعاونی مربوط به خودشان را دارند طبق اساسنامه تعاونی میباشند که حد نصاب کارگرانش ۱۵۰ کارگر بیمه شده است. اما به دلیل اینکه در کارگاههای کمتر از ۱۰ کارگر مشغول بکارند نمی توانستند با کارگاههای دیگر شرکت تعاونی مصرف را تشکیل دهند و مجبور شدند در سطح شهر سنندج به این شرکت تعاونی شماره ۱ بروند. این شرکت تعاونی تحت نظارت اداره کار است و برای پیشبرد کارهایش به مجمع عمومی و انتخاب نماینده از طرف کارگران متکی نیست و شاید ۲ تا ۳ سال یکبار ۱ مجمع عمومی برای انتخاب هیئت مدیره داشته باشد. حتی یک مورد هم از طرف هیئت مدیره شرکت تعاونی دزدیهایی صورت گرفته بود که اداره کار ناچار شد مسئولین آنها را عزل و کسان دیگر را بجایشان بگمارد.

بحثهای درون اتحادیه صنعتگران شهر سنندج حول تشکیل شرکت

تعاونی مصرف کارگران چه بود ؟

در اتحادیه صنعتگران بحث حول وجود شرکت تعاونی مصرف کارگران مطرح شد. وجود ما در شرکت تعاونی شماره ۱ با وضعیتی که داشت مورد توافق ما نبود و تصمیم براین گرفته شد که اتحادیه خود دارای یک شرکت تعاونی مصرف مستقل کارگران باشد. در درون خود و برسر این مسئله بحثهای زیادی هم صورت گرفت و بالاخره بعد از برگزاری چندین مجمع عمومی تصمیم گرفته شد که برای تشکیل شرکت تعاونی مصرف کارگران تلاش کنیم و ۲ نفر هم انتخاب شدند تا به اداره کار مراجعه کنند و بگویند: ما نماینده کارگران کارگاه‌های کوچک در اتحادیه صنعتگران سندج هستیم و میخواهیم یک شرکت تعاونی مصرف کارگران برای خودمان داشته باشیم. ما میدانیم که شرکت تعاونی شماره ۱ وجود دارد اما تعداد اعضای آن بسیار زیاد است و جوابگوی نیازهای ما نمیتواند باشد و ما از امکانات تعاونی برخوردار نیستیم. کارگرانی هم که عضو این شرکت تعاونی (شماره ۱) نیستند و بن کارگری میگیرند باید ساعتهای طولانی در صف شرکت تعاونی بایستند تا آن را دریافت کنند و بالاخره اینکه در خواست تشکیل شرکت تعاونی شماره ۲ مینمایم.

نمایندگان کارگران مسئله را با اداره کار مطرح کردند و با مخالفت شدید آنها روبرو شدند. ما تلاش دیگری را به کمک کارگران بخشهای دیگر از جمله کارگران کارخانه شاهو که شرکت تعاونی مستقل خودشان داشتند آغاز کردیم . در نتیجه شرایط لازم را برای تشکیل شرکت تعاونی مصرف کارگران صنعتگر سندج آماده کردیم .

ما آمدم و اساسنامه‌ای تدوین و شروط لازم برای تشکیل شرکت تعاونی را دقیقاً نوشتیم . به اداره کار مراجعه کردیم آنها گفتند که به شرکت تعاونی شماره ۱ بروید و ثبت نام بکنید. توضیح داده شد که این شرکت جوابگو نیست . بالاخره گفتند که ۱۵۰ تا ۱۶۰ کارگر بیمه شده باید داشته باشید آنگاه ما این کار را ترتیب میدهیم!!! این در حالی بود که اداره کار رژیم ما را هنوز ما را بعنوان یک تشکل به رسمیت نمی‌شناخت !!! اما توازن قوا آنها را مجبور به این کار کرده بود و این برای ما کارگران دست آورده بسیار مهمی بود. اداره کار موعدی تعیین کرد تا در مجمع عمومی که قرار

بود تشکیل شود شرکت تعاونی ایجاد گردد. آنها میخواستند هیات مدیره سابق شرکت تعاونی شماره ۱ را که بخاطر دزدی مجبور به اخراج و بی اعتباری در میان کارگران شده بودند به ما تحمیل کنند. ما در مجمع عمومی های خودمان این شکر را افشا کردیم. در مورد تعاونی هم میخواستیم با تعاونی شماره ۱ تمایز خود را داشته باشیم. هیات مدیره سابق تعاونی شماره ۱ را که اداره کار تعیین کرده بود تبلیغ کردند که اینها هدفهای دیگری از تشکیل تعاونی دارند. بهرحال انتخابات در مجمع عمومی برای هیئت موسس برگزار شد و تعدادی هم انتخاب شدند منتها چون در میان خودمان هم اختلافاتی بروز کرد اداره کار آنها بهانه خوبی دانست و انتخابات را قبول نکرد و انتخابات به تعویق افتاد. سر موعد به اداره کار مراجعه کردیم آنها تصمیمشان را عوض کرده بودند و به ما گفتند که شرکت تعاونی شماره ۱ اعلام کرده میتواند ۱۵۰۰ نفر دیگر را قبول کند و این باعث شد تا تعاونی تشکیل نگردد.

هر چند اداره کار تصمیمشان را عوض کرده بودند اما علت شکست تعاونی و ناکامی اتحادیه صنعتگران در تشکیل تعاونی، اختلافات درونی در میان فعالین و رهبری اتحادیه بود که اداره کار از این فرصت استفاده کرد و توانست در به شکست کشاندن آن موفق شود.

سواد آموزی کارگران در اتحادیه صنعتگران سندنج

برای مسئله سواد آموزی در اتحادیه تصمیم گرفته شد تا با نهضت سواد آموزی مستقیماً تماس گرفته شود و مسئله را در میان بگذاریم و بخواهیم تا بازرسی به اتحادیه بفرستند و معلمی را در اختیار اتحادیه بگذارند. نهضت سواد آموزی به نامه ما جواب مثبت داد و حاضر شد که تا معلمی را در اختیار اتحادیه قرار دهد. از آنجا که نهضت بیشتر اهدف و آموزشهای خرافی و کهن پرستانه اشاعه میداد ما توانستیم یکی از فعالین کارگری در اتحادیه را بعنوان معلم به آنها معرفی کنیم و نهضت بعد از یک سری بحث کردن با ما بالاخره موافقت کرد و ما خوشحال بودیم که نگرانیمان از این بابت رفع شد. رفیق ما به عنوان معلم شروع به کارکرد و کارش هم موفق بود. سواد آموزی ابتدائی در دو سطح در اتحادیه شروع گردید و این کار با موفقیتهای

چشمگیری روبرو شد و تعداد زیادی از کارگران با سواد شدند. تعدادی توانستند دوره تکمیل ابتدائی را بگذرانند. مجمع عمومی اتحادیه از طریق فرستادن نمایندگان به عنوان ناظر به سر کلاس درس از وضعیت سواد آموزی با خبر میشدند و بر آن نظارت داشتند.

نماینده‌ها هفته‌ای چند بار در کلاس درس حاضر میشدند. کلاس درس رو به رشد بود و کارفرماها هم کارشکنی میکردند و حتی کارگران را تحریک میکردند که به اتحادیه نیایند. ما توانستیم از نهضت نامه‌ای بگیریم که خطاب به کارفرماها نوشته شده بود که کارگر نباید بیسواد باشد. نهضت همچنین به ما گفت کارفرمایانی که حاضر نیستند کارگران را برای سواد آموزی بفرستند لیست‌شان را بدهید یا ما در این رابطه اقدام میکنیم یا خودتان از طریق اتحادیه اقدام کنید. در نتیجه تحت این فشار تعدادی از کارفرماها راضی شدند که یک ساعت از ساعات کار را به کلاس سواد آموزی اختصاص بدهند که کارگران بیایند و در اتحادیه درس بخوانند.

اشاره به تشکیل صندوق مالی کارگران در اتحادیه صنعتگران

سنندج

در همین جا لازم است به مسئله دیگری نیز اشاره شود که آنهم مسئله تشکیل صندوق مالی اتحادیه بود. این مسئله هم در اتحادیه طرح گردید اما به دلیل اینکه نظرات مختلفی در مورد آن وجود داشت عملاً صندوق تشکیل نشد و اتحادیه از این امکان مهم محروم شد. اصل اختلاف هم از این قرار بود که تعدادی نظرشان این بود که صندوق باید محدود به کارگران متشکل در اتحادیه باشد و تعداد دیگر میگفتند صندوق نباید چنین حالتی داشته باشد و هر کارگری که خواهان عضویت در آنست میتواند عضو آن باشد. البته اختلافات دیگری هم بر سر نحوه نگهداری پول یعنی اینکه آیا آنرا در بانک بگذاریم یا نه وجود داشت. اما مهمترین اختلاف همین مسئله اولی بود که عملاً فعالیت برای تشکیل صندوق را به بن بست رساند.

دور و نقش اتحادیه صنعتگران در مسائل اجتماعی و سیاسی چه

بود؟

یک جنبه دیگر از فعالیت اتحادیه صنعتگران سنندج دخالت کردن اتحادیه در مسائل اجتماعی و سیاسی کارگران بود. برای سه سال پی در پی کارگران متشکل در اتحادیه توانستند فعالیت برای برگزاری مراسمهای مختلف کارگری در طول هر سال را سازمان دهند و رهبری نمایند. یکی از مهمترین تمایزات اتحادیه صنعتگران سنندج از همان بدو تشکیل نیز با دیگر اتحادیه‌ها در این مسئله بود که به عرصه‌های دیگر فعالیت کارگری نباید بی توجه بود و بهمین منظور بیشترین فعالیت اتحادیه صرف این امر می‌شد. علی‌رغم هر اشکال و کمبود و کم تجربگی که در عرصه‌های مهم دیگر کارمان در اتحادیه وجود داشت، اما اتحادیه صنعتگران سنندج توانست در ظرف ۴ سال تحرک بسیار وسیع و گسترده‌ای را حول خواستها و مطالبات سیاسی و اقتصادی کارگران بوجود آورد. مراسمهای چندین هزار نفره در روز کارگر که واقعا مایه امید ما و یقیناً هر کارگر آگاهی بود از نمونه‌های کار و فعالیت اتحادیه صنعتگران سنندج به شمار می‌رود. ما کارگران بخصوص در روز کارگر متحدتر شدیم و هر سال بر نیرو و توانمان افزوده می‌شد. با وجود اینکه موانع و مشکلات زیادی از طرف جمهوری اسلامی برایمان پیش می‌آمد و هر سال تعدادی از رفقایمان دستگیر میشدند اما تأثیرگذاری اتحادیه غیرقابل انکار بود. اما از آنجا که دیگر حرکت ما به امیدی برای توده کارگران تبدیل شده بود جلوگیری از آن به راحتی امکان پذیر نبود و در این چهار سال بخصوص برای روز کارگر توانستیم به بسیج کارگران در چنان سطحی که همه شاهد بودند بپردازیم. در کنار آنهم به برگزاری مراسمهای دیگری از جمله روز جهانی زن پرداختیم. بهر حال یکی از عرصه‌های مهم کار ما اختصاص نیرو و انرژیمان به برگزاری روز کارگر بود و اتحادیه صنعتگران سنندج توانست پرچم این سنت کارگری را برافرازد و به تثبیت آن کمک جدی بنماید. علی‌رغم اینکه اتحادیه صنعتگران سنندج در سال ۱۳۶۷ از طرف دولت سرمایه اسلامی منحل گردید اما رهبران آن هنوز پراکنده نشده بودند و سال بعد هم توانستند اول ماه مه را سازمان دهند.

سازمان اتحادیه صنعتگران سنندج و نحوه پیشبرد و فعالیتهایش

در این مورد بهتر است بگوئیم که آنچه در اوایل فعالیت اتحادیه صنعتگر در باره فعالیت اتحادیه و پیشبرد کارهایش می دانستیم با زمانی که درگیر بحثهای مختلفی بر سر نحوه کار و فعالیت اتحادیه شدیم فرقه‌های زیاد و نقطه نظرات مختلف وجود داشت. شاید در اینجا مناسب باشد که بگوئیم اتحادیه صنعتگران سنندج برای خودش نظم و موازینی داشت اما همزمان روشهای مختلفی از کار نیز وجود داشتند که بعداً به موانع و مشکلات و اختلاف نظرات مختلف در صفوف آن تبدیل شدند. با توجه به کم تجربگی که از همان آغاز تشکیل اتحادیه صنعتگران سنندج وجود داشت بر این اصول توافق نظر بود که فرق ما با تشکلهای موجود در سطح شهر سنندج باید فعالیت وسیع و همه جانبه کارگیش باشد و بتواند به مسائل کارگران پردازد و برای آنها پاسخ داشته باشد و کلاً اتحادیه فعال این زمینه باشد. بطور خلاصه اینرا بگوئیم که اتحادیه صنعتگران سنندج بخصوص در اوائل کارش تابع نوعی کار در درون خودش بود از جمله اینکه: اتحادیه فعالیتش را از کانال برگزاری مجامع عمومی که بطور منظم برگزار میشد پیش ببرد و برای اجرای کارها نمایندگان انتخاب یا تعیین میشدند. این مجامع عمومی هر چند با نواقصی که در اجرای منظم آن پیش آمد اما محلی برای طرح مسائل از طرف کارگران بود و بطور واقعی در پیشبرد امور همه کس خود را شریک میدانست. کارهایی که قرار بود به اجرا در آیند از همین جا تعیین میشدند و افرادی برای اینکه آنها را به سرانجام برسانند و مجری آنها باشند تعیین میشدند.

تشکیل کمیته یا هیات حل اختلاف در اتحادیه صنعتگران سنندج

و تحمیل کردن آن به اداره کار رژیم.

ما در ادامه کار یک هیات حل اختلاف را تشکیل دادیم. رفقای کارگر میدانند که هیات حل اختلاف اداره کار رژیم اسلامی چگونه عمل میکند و هیچگاه به منفعت کارفرما و صاحبان قدرت نمیتواند لطمه بزند و مدام در خدمت آنها و علیه کارگران است. ترکیب آنها هم نشاندهنده این حقیقت بود. هیات حل اختلاف اداره کار شامل ۱ نفر نماینده دولت، ۲ نفر از اداره کار، ۱ نفر نماینده تمام الاختیار کارفرما و ظاهراً ۲ نفر هم کارگر که آنچه ما از آنها دیده بودیم فقط سکوت بود و بس.

بهر حال ما خودمان برای تشکیل هیات حل اختلاف اقدام کردیم که کارهای هم انجام داد. وقتی شکایتی میرسید کارفرما فراخوانده میشد و به شکایت رسیدگی میشد. بعد از صحبتی اگر به توافق میرسیدند کارگر به سر کار برمیگشت و یا در غیر اینصورت پولی بر اساس سابقه کار و خساراتی تعیین میگردد تا کارفرما آن را بپردازد. مواردی هم وجود داشتند که دیگر کارفرما به اتحادیه پاسخی نمیداد و یا در اتحادیه حضور پیدا نمیکرد و به نتایج حاصله اعتراض میکردند. البته این مسئله باعث حساسیت شدید اداره کار میشد. کمیته حل اختلاف در طول عمر خود توانست فعالیتهای چشمگیری انجام دهد که مورد توجه کارگران قرارگرفت.

کمیته ورزشی کارگران در اتحادیه صنعتگران سنندج

همچنین اتحادیه دارای کمیته دیگری برای تامین نیازمندیهای اولیه کارگران بود از جمله کمیته ورزش که دارای تیم و باشگاه ورزشی بودیم، و کمیته سواد آموزی... در اینجا جا دارد که یاد آوری کنم که سر پرستی کمیته ورزش و باشگاه ورزشی اتحادیه صنعتگران سنندج به رفیق و سخنران اول ماه مه جمال چراغ ویسی بود.

روزنامه دیواری و اخبار مبارزات کارگری

در اتحادیه صنعتگران سنندج بخصوص در اوائل کارمان برای اطلاع کارگران از اخبار مبارزات کارگری در نقاط مختلف ایران و جهان روزنامه دیواری داشتیم که بسیار مناسب بود. اما از آنجا که ملاحظات بخصوصی که در آن شرایط نسبت به حساسیت رژیم به کارمان میبایست بکار میبردیم رعایت نشد و به دلیل ماهیت به غایت ارتجاعی

، ضدانسانی و ضددمکراتیک رژیم به همین خاطر عمرش کوتاه بود. متأسفانه در اشکال دیگرش هم که هدف رساندن اخبار را تامین کند هم ادامه نیافت.

رابطه اتحادیه صنعتگران سنندج با کارگران و مبارزات آنها در

بخشهای دیگر.

همانطور که اشاره کردیم یک نقط قوت اتحادیه صنعتگران سنندج این بود که تا حدودی خودش را به یک صنف معین محدود نکرد و کارگران در محلها و مراکز مختلف کارگری میتوانستند به درون اتحادیه صنعتگران سنندج وارد شوند. از این رو اتحادیه خود در برگیرنده کارگرانی بود که از محلهای مختلف (هر چند اساساً از کارگاهها) آمده بودند و در اتحادیه حضور داشتند، بهمین خاطر از مسائل محلات کارگری، از مبارزاتشان و نحوه پیشبرد آنها، کمبود و اشکالاتی که داشتند مطلع بودند. اما بطور قطع میتوان گفت که ما نتوانستیم این امکاناتی که وجود داشت را به نیروی تبدیل کنیم که مبارزات کارگران را هر چه بیشتر بهم نزدیک کند و مایه تقویت یکدیگر برای فعالیتهای کارگری و مبارزاتیشان باشد. شاید در طول حیات اتحادیه غیر از چند ماه اولش این ضعف عمده همچنان باقی ماند که چرا ما براحتی نمیتوانستیم برای پیشبرد مراسلهای کارگری و بخصوص برگزاری روز کارگری بیشترین کار و تلاش را بنمائیم، اما برای مشکلات و مسائلی که مثلاً اتحادیهها در سطح شهر با کارخانهها و کارگاههای دیگر داشتند نتوانستیم انرژی و وقتمان را اختصاص دهیم؟ شاید اکنون ما بتوانیم بگوئیم که فلسفه وجود اتحادیه صنعتگران سنندج دیگر صرفاً مجموعه‌ای از مسائل از قبیل برگزاری مراسمها و جشنها و ترتیب دادن بحث بر سر مسائل پیشنهادی برای این قبیل کارها بود و دیگر از مسائل اجتماعی و واقعی که با آنها میتوانست زنده بماند جدا افتاده بود. شاید آوردن نمونه‌هایی بتواند این منظور را بخوبی برای رفقای کارگرم‌ان روشن سازد. همانطور که اشاره کردیم کارگرانی که در اتحادیه صنعتگران سنندج فعالیت

داشتند از مراکز و واحدهای مختلف کارگری بودند و از کانال آنها ما به این مراکز و واحدها وصل بودیم. اما مسائل و مشکلات و مبارزات جاری آنها مورد توجه جدی ما نبود و برای آنها اقداماتی انجام نمیدادیم. حتی ما بامواردی برخورد داشتیم هنگامیکه بخشی از کارگران به ما رجوع میکردند تا آنها را به هنگام درگیری با کارفرمایانشان کمک و راهنمایی کنیم کاری نکردیم. نمونه برجسته آن مراجعه کارگران کوره پزخانه اطراف شهر سنندج بود که ما آنها را تنها گذاشتیم و پاسخی به آنها ندادیم. یا همینطور موارد متعدد از مبارزات کارخانه شاهو، پوشاک، چیا، شرکتهای ساختمانی و.....

در ادامه به دلایل اصلی این عدم دخالت خواهیم پرداخت. اما همینجا این نتیجه را میخواهیم بگیریم که ما از سرچشمه نیرو و انرژییمان بریده بودیم و بهمین دلیل سرنوشت اتحادیه صنعتگران سنندج را دیگر خود کارگران نمیتوانستند تعیین کنند بلکه هر فشار خارجی که از طرف دولت صورت میگرفت میتوانست در آنها ببندد. این را هم اضافه کنم که ما نسبت به تشکلهای دیگر (سندیکاها) که در سطح شهر وجود داشتند و فعالیت میکردند بدلائل مختلفی بی تفاوت بودیم و حتی عملاً کار و فعالیت آنها مورد تحقیر قرار میگرفت و این باعث میشد تا نتوانیم به آنها نزدیک شویم. همچنین در مبارزات توده ای هم که در سطح شهر صورت میگرفت عکس العمل چندانی نداشتیم. نمونه برجسته آن را هم میتوانیم جریان کشته شدن ۵ کودک در سال ۶۶ در یکی از محلات کارگری شهر سنندج ذکر کنیم که هزاران نفر از مردم همین محلات برای اعتراض به دولت به جلو دادگستری رفتند و ما نتوانستیم عکس العمل فوری و منطقی نشان بدهیم و بهمین پسندیده کردیم که به روزنامه کیهان اعتراض کنیم که در آنجا بخاطر این مسئله مردم را مورد توهین و تحقیر قرار داده بود که البته اعتراض به جا و خوب بود اما به نسبت فعالیت گسترده تری که در اینمورد میتوانستیم انجام دهیم ناکافی بود. بهر حال همانطور که گفتیم دور شدن اتحادیه صنعتگران سنندج از همین مسائل اقتصادی و اجتماعی کارگران، دیگر آنها را به گوشه ای رانده بود که در درون خود به بحث و تبادل نظر بر سر موضوعاتی میپرداختند که بدلیل اختلافات و موانعی هم که

در صفوف خودش وجود داشت توان عملی برون رفت از آن را نمیتوانست داشته باشد.

اتحادیه صنعتگران سنندج و مسائل و مبارزات کارگران در

بخشهای دیگر.

به نظر ما بین اتحادیه و مبارزات سایر بخشهای خارج از اتحادیه همچگونه پیوند مبارزاتی وجود نداشت. برای مثال ما بعنوان رهبران اتحادیه چون در شرایطی بودیم که از طرف دولت اجازه فعالیت نداشتیم، بعنوان اتحادیه نتوانستیم دخالت و یا حتی اطلاعیه ای هم در این باره صادر کنیم. فقط زمانی که مبارزه یا اعتراضی روی میداد ما در میان کارگران عضو اتحادیه آنها بیان میکردیم و احساس همدردی میکردیم و در بعضی موارد هم کارگران را برای دست یابی به خواستههایشان راهنمایی میکردیم. اما نظراتی هم در بین رهبران کارگری در اتحادیه صنعتگران سنندج وجود داشت که باید ما بعنوان یک تشکل دخالت بیشتری داشته باشیم. عده ای که این نظر را داشتند متأسفانه کم بودند. میتوانیم در اینجا به بعضی از این نظرات اشاره کنیم که در میان اتحادیه و رهبران آن وجود داشت. نظر به اینکه در اوایل تشکیل اتحادیه زیر بنای آن خوب پی ریزی نشده بود و ما در این مورد کم تجربه بودیم همین مسئله باعث شد که افرادی از کم تجربه گی ما استفاده کنند و بنا به آن شرایط به درون اتحادیه راه پیدا کنند و موانعی را هم ایجاد کنند. این افراد اکثراً تحصیل کرده ها بودند که بخاطر نظرات انقلابی که داشتند به روش خودشان عمل میکردند در مورد مسائل مختلف و توازن قوای موجود که ما در چه شرایطی هستیم نظرات تندروانه داشتند که همین باعث شد که تعدادی از رهبران اتحادیه صنعتگران سنندج که دارای نظرات محافظه کارانه بودند از همین روشها استفاده کنند و در میان بخشی از کارگران دو دستگی ایجاد شود و اتحادیه نتواند بعنوان یک تشکل مستقل کارگری از مبارزات سایر بخشهای خارج از خود هماهنگی ایجاد کند. در مورد رابطه مبارزاتی بین اتحادیه و کارگران بخشهای دیگر میتوان گفت این رابطه در سطح اتحادیه صفر بود. ولی در محافل کارگری خارج

از اتحادیه در بین ما و کارگران این بخشها پیوند خوبی وجود داشت و اگر هم صورت میگرفت اساساً از این کانالها پیش میرفت تا از طرف اتحادیه.

تشکلهای دیگری هم در سطح شهر وجود داشتند اما نحوه برخورد و ارتباط اتحادیه صنعتگر با آنها فرق میکرد. مثلاً سندیکای خیاطان خود بعنوان یک صنف در درون اتحادیه بود و شاید هم از سایر صنفهای موجود در اتحادیه از لحاظ قانونی امتیاز بیشتر داشتند. اما متأسفانه بنا به یک نوع سنت دیرینه که در برخی از مسئولین خیاطان وجود داشت باعث میشد ناهماهنگی بین کارگران بوجود آید که همان گرایش محافظه کارانه آنزمان بود. همچنین نحوه برخورد به تشکلهای موجود مانند خبازان، قنادها، گرمابه دارها و خوراک پزان که داری سندیکا بودند پیوند آنچنانی وجود نداشت. مهمترین دلیل این بود که اتحادیه به طور جدی و برای پیوند دادن مبارزات کارگری به هم برنامه ای نداشت و مهمتر اینکه به فعالیت آنها ارزش قائل نبود. عامل دیگر نوع و نحوه تاثیرات تبلیغاتی بود که در خارج از اتحادیه در مورد آن میشد تصویر درستی از این تشکلهای ارائه نشد و هر بار در این مورد که صحبتش میشد چیزی نوشته میشد با اینگونه عبارتها همراه بود که این تشکلهای زرد هستند و برای کارگران کاری انجام نمیدهند و همین باعث میشد که ما هم آنطوری که لازم بود و میبایست مثل کارگران پیشرو و کمونیست در این تشکلهای دخالت کنیم، نکردیم. به این ترتیب این نوع برخوردها به مانعی تبدیل شده بود که اتحادیه صنعتگران سنندج و دیگر تشکلهای موجود در سطح شهر نتوانند بهم نزدیک شوند و هرگونه تلاش که از طرف ما و چه از طرف آنها صورت میگرفت بنا به همین دلایل نمیتوانست موثر واقع شوند. کم تجربگی دست اندرکاران هم مشکل جدی کار ما بود. بطور واقعی ما برای اولین بار بود که دنبال چنین تشکل مستقلی بودیم. ما نیاز به منبعی داشتیم که ما را تغذیه و تقویت کند. در مورد کار قانونی و علنی تجربه ای نداشتیم و یا تحقیق میشد. گرایشهای مختلف بشیوه خودشان عمل میکردند و از این قبیل مشکلات به وفور فراوان بود.

چرا نتوانستیم اتحادیه صنعتگران سنندج را سرپا نگهداریم؟

در اوایل شروع به فعالیت اتحادیه صنعتگران سنندج، تعداد اعضای آن بین ۲۵۰ نفر تا ۳۵۰ نفر بود. یکی از عواملی که خیلی اساسی بود برآورده نکردن و جواب ندادن به نیازهای اقتصادی و مالی کارگران بود. چندین بار در رابطه با تشکیل شرکت تعاونی مصرف و صندوق مالی کارگران مجمع عمومی تشکیل شد اما بخاطر اینکه این اقدامات نتیجه عملی نداشت کارگران نسبت به اتحادیه بی تفاوت شدند. البته چندین عامل دیگر هم باعث کم شدن اعضای اتحادیه صنعتگران سنندج شد از جمله هر ساله از طرف رژیم اسلامی تعدادی از فعالین و کادره رهبری اتحادیه صنعتگران سنندج دستگیر و زندانی می شدند و از طرف اداره کار رژیم اسلامی سرمایه و کارفرمایان هم مرتبا کارگرانی که به اتحادیه میامدند تهدید میشدند که اگر دست از اتحادیه بر ندارند کارتان را از دست خواهید داد. برای رژیم اسلامی کاملا روشن بود که ما در اتحادیه صنعتگران سنندج مرتبان ماهیت ارتجاعی جنگ ایران و عراق را افشا میکردیم و آنرا برای کارگران روشن میکردیم. کارگران عملان حاضر نبودند که به سربازی و جبهه های جنگ بروند. با ختم جنگ ارتجاعی و بالا رفتن میزان بیکاری و فقر و فلاکت، فشار بیش از حدی به کارگران وارد آمد، آنان به امید اینکه شاید بعد از بازگشت از سربازی کاری برایشان پیداشود به سربازی رفتند و عملا اتحادیه با کمبود نیروی فعال رهبری روبرو شد. در هر حال مسئله کمبود نیرو و تعداد کم اعضا مربوط به سیاست اتحادیه و برنامه ریزیش بود که باعث شد اتحادیه گسترش پیدا نکند و بزرگتر نشود. سیاست غلط در کادر رهبری و نا روشنی در مورد برخورد به تشکلهای موجود در سنندج عمل دیگری بود که باید به پای گرایش غیره کارگری در اتحادیه صنعتگران سنندج نوشته شود. بالاخره در نیمه دوم سال ۱۳۶۶ شیرازه ادامه کاری اتحادیه از دست رهبری بیرون آمد و علت آنهم این بود که گرایش سوسیالیستی در آن نتوانست عملا رهبریش را بدست بگیرد. کارگران هم به مسائل اتحادیه و حفظ آن بی توجه شدند چرا که پاسخی برای مسایل اقتصادی شان نگرفتند. با وجود فشار و کارشکنی اداره کار رژیم اسلامی ما توانستیم بیش از ۵۰ تا ۶۰ مجمع عمومی برگزارکنیم که رهبری نتوانست بخوبی از آنها استفاده کند. اگر اتحادیه جوابگوی امر روزمره کارگران میبود هر مشکلی برایش

پیش میامد کارگران هم هر کدام گوشه‌ای از مشکلات را می‌گرفتند و پاسخگو می‌بودند. ما قبلاً به نبودن ارتباط با اتحادیه‌های دیگر اشاره کردیم و اینهم یکی از دلایل بود. وقتی ما اصول درستی برای ارتباط و هماهنگی مبارزات اقتصادی کارگری نداشتیم انتظار هم نمی‌رفت آنها هم از ما دفاع کنند. رژیم سرمایه اسلامی مرتباً به ما اخطارهای شدید میداد و اگر ما ارتباط مبارزاتی میداشتیم در هر حال میتوانستیم به کمک دیگر کارگران و حتی به اشکال دیگری این اخطارهای رژیم اسلامی را خنثی کنیم.

سال ۱۳۶۷ سال سرکوب کارگران و کمونیستها توسط رژیم‌ها

اسلامی بود

در سال ۶۷ رژیم جنایتکارا سلامی قبل از اینکه به اداره کارآخین اخطاریه رابرای بسته شدن اتحادیه صنعتگران سنندج بدهد، همزمان یورش وحشیانه خود را به رهبری اتحادیه آغاز کرد و تعدادی از کادر رهبری و سوسیالیست اتحادیه را دستگیر کرد. این حرکت وحشیانه رژیم باعث شد که تعداد زیادی از اعضا اتحادیه را ترک کنند. مجمع عمومی دیگر پایدار نماند و گرایش محافظه کار هم تبلیغات میکرد که برویم و به اسم و رسم دیگری کار کنیم و برویم بطور قانونی دنبال آن را بگیریم و از این تبلیغات. این تبلیغات در حالی صورت میگرفت که ما همه آن راه‌ها را آزمایش کرده بودیم. به این ترتیب در سال ۶۷ بجز باشگاه ورزشی و کلاس سواد آموزی دیگر اتحادیه صنعتگران سنندج نمیتوانست پولی بعنوان حق عضویت بگیرد. بعد از باز سازی کادر رهبری جدید قرار شد درارتباط با تعطیلی فعالیت اتحادیه توسط رژیم طوماری جمع کنیم و به اتحادیه‌ها و مراکز صنعتی ببریم. کاخانه‌ها جواب مثبت دادند و حاضر بودند آنرا امضا و حمایت کنند ولی تشکلهای موجود بی تفاوت ماندند و رهبری جدید موفق به پیگیری این کار نشد. از طرف دیگر گرایش محافظه کار هم اصرار داشت به شورای نگهبان رژیم اسلامی برویم و به خانه کارگر در تهران شکایت ببریم. این در حالی بود که جریان سوسیالیستی هم بدنبال پشتبانی کارگری و کارگران بودیم. اما متاسفانه وحشیگری رژیم‌ها به حدی بود که دست و بال ما را بسته بود و از هر اقدام جدی ما باخبر بود و با یورش به کادر رهبری مانع کارما میشد. کارگران سوسیالیست تلاش زیادی کردند در

سایر شهرها به ما کمک کنند و راهی بیابند اما مجموعه عوامل ذکر شده باعث شد که نتوانستیم از بسته شدن اتحادیه صنعتگران سنندج جلوگیری کنیم. این را هم اضافه کنیم که خانواده‌های کارگری در مسائل اتحادیه دخالتشان کم رنگ شده بود. برای مراسمها زنان و خانواده‌های کارگری می‌آمدند اما در مجامع عمومی اتحادیه و مسائل و مشکلات آن حضورشان کم رنگ بود. در حقیقت آنها دخالت و شرکت داده نمیشدند و از سوی دیگر نداشتن ارتباط مبارزاتی و همبستگی کارگری با تشکلهای دیگر چه در محل و چه با جنبش کارگری در سطح سراسری ایران ما را در مقابل رژیم جنایتکار اسلامی تنها گذاشت و ضعیف و ضربه پذیر کرد. خلاصه بگوئیم این زور و توانایی دولت نبود که اتحادیه صنعتگران سنندج را منحل کرد و بست بلکه ضعف و کم تجربگی خود ما کارگران و کادر رهبری اتحادیه بود.

اختلافات در چه سطحی و بر سر چه مسائلی بود؟

ما آنزمان نظرات و نگرشهای مختلف در اتحادیه صنعتگران سنندج را به سه دسته تقسیم میکردیم و حال هم چنین قضاوتی را داریم. این نظرات عبارت بودند از ۱- نظرات محافظه کارانه، ۲- نظرات تندر و غیر مسئولانه در برخورد به مسائل اتحادیه و کارگری ۳- گرایش کارگری و سوسیالیستی.

نظرات محافظه کارانه

نظرات محافظه کارانه همیشه بر این باور بود که باید کار وامورات اتحادیه و مسائل کارگری را با گره زدن به اداره کار و قانون کار به پیش برد. در غیر اینصورت کاری را نمیتوان به پیش برد و اکثرا براین باور بودند که باید در چهار چوب قانون کار رژیم اسلامی حرکت کرد و حتی حاضر نبودند که در مسائل زنان کارگر و سایر بخشهای دیگر کارگری با ما همکاری کنند.

نظرات تندروانه یا همان گرایش که غیر مسئولانه برخورد می‌کند

نظرات تندروانه اکثراً در میان کارگران جوان وجود داشت و دارد. این افراد کسانی هستند که شرایط و توازن قوای موجود را در نظر نمی‌گیرند و در کوچکترین حرکت دچار احساسات میشوند و اکثر آکسیون‌ها هستند ما نمونه‌های زیادی چه در میان اتحادیه و چه در مراسم‌های اول ماه مه‌ها را مشاهده می‌کردیم و اساساً اینان تحت تاثیر عملکردهای چپ غیر کارگری بودند. البته بر خلاف نظرات محافظه کارانه که گفتیم تمام موجودیت خود را در اتکا به قانونی کردن کارها میدیدند، اینان هر نوع کار علنی و قانونی را تحقیر می‌کردند و در مدت حیات اتحادیه صنعتگران کارهای آنان باعث شد که بهانه بدست رژیم و اداره کار و نظرات محافظه کار در حمله و یورش به اتحادیه را بدهند. همه رفقای کارگر نمونه این حرکات در مراسم‌های اول مه‌ها و در درون اتحادیه را به یاد دارند. بعداً میشود مفصل‌تر به این نمونه‌ها پرداخت.

گرایش کارگری و سوسیالیستی

این گرایش در میان کارگران جا افتاده و با نفوذ بود و همین گرایش بود که باعث شد اتحادیه صنعتگران سنندج به دام قانون گرایان و اداره کار رژیم اسلامی نیافتد و اگر اتحادیه در طول عمرش توانست بعنوان یک تشکل کارگری بماند و توانست بعضی از مطالبات کارگران را به کرسی بنشانند به همت همین گرایش بود. در ضمن همین گرایش بود که توازن قوا را بخوبی درک می‌کرد و در تمام مسائل کارگری و سایر مسائل اجتماعی و سیاسی جامعه دخیل بود و سعی می‌کرد جواب درستی برای موانع و مشکلات موجود بیابد. اما در برخی موارد آن دو نگرش قبلی که به آن اشاره کردیم کارهای می‌کردند و عملاً دست و بال این گرایش سوسیالیستی کارگری را میبستند. در عین حال که خود این گرایش دارای اشکالات و کمبودهای خود بود چه در تلاشش در اتحادیه و چه بطور کلی در فعالیتهایش. در این مورد میتوان جداگانه صحبت کرد و ما به سهم خود چنین تلاشی را خواهیم کرد.

مظفر فلاحی ===== یدی عزیز

